



هفت‌نامه  
**اتیه‌نو**

A T I V E H N O

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه  
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)  
مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:  
ابراهیم رستمیان مقدم  
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم  
شماره ۲۲، طبقه پنجم  
تلفن تحریریه: ۸۸۵۱۷۰۸۵-۶  
www.Atiyehnoweekly.ir  
چاپ: هنر سرزمین سبز  
آگهی و اشتراک: ۸۸۵۱۷۰۹۱  
ناظر چاپ: علی توتونی

• وزیر پست شهر - ۱۶۸ •  
• نسرین ظهیری •

## انصاف رقیق

آقای قصاب مثل قصاب‌ها نیست. باریک و بلند و گوشت به استخوان چسبیده. عکس رنگ‌ورو رفته تختی، شمایل حضرت علی(ع) و تابلو نوشته، بالای دیوار قصابی آویزان است. نمی‌توانم نوشته تابلو را بخوانم. ره‌ایش می‌کنم. قصاب جوان فرز گوشت می‌برد. وقت بریدن گوشت‌ها انگار دیگر خودش نیست. بدنش ریتم رقیقی می‌گیرد و لایه‌های گوشت گوساله را با تکنیک خاصی باز می‌کند. چنان با دقت، چنان ماهرانه و چنان محتاطانه که گویی دلش نمی‌آید گوشت لطمه ببیند. استخوان‌ها را با یک ضربه ساطور، می‌شکند، چربی‌های گوشت را با وسواس جدا می‌کند. گوشت قرمز و مرغ را به قیمت تنظیم بازار می‌فروشد. سردست‌ها جدا، ران‌ها جدا.

قصابی چندان بزرگ نیست و مشتری‌ها کم‌کم دارند صف درست می‌کنند سر خود و خودکار. عادت دوست‌داشتنی، بعضی‌ها می‌آیند سر و بالای شقه‌های گوشت را برانداز می‌کنند و انگار که مردد باشند، می‌روند. مشتری‌ها همه‌همه می‌کنند. آقای قصاب تذکر می‌دهد: «شما هر مقدار گوشت که بخواهید ما موظف هستیم بفروشیم. ما کارمان فروختن است هر قدر شما بیشتر گوشت بخواهید من خوشحال‌تر می‌شوم. اما یک خواهشی از همه دارم.»

قصاب حالا ساطورش را می‌گذارد روی پیشخوان و می‌رود روی چهارپایه‌اش می‌ایستد تا به همه مشتری‌ها مسلط شود. به نشانه شرم‌منده‌بودن، عرق پیشانی را می‌چکاند: «خواهشم اینه که به اندازه مصرف یک هفته بخريد. بذاريد براي فردا صبح هم گوشت و مرغ بيمونه و من شرمندۀ آن‌هایی که فردا برای خرید می‌آیند نشم. به انصافتون رجوع کنید، کمتر بخريد، گوشت به قدیکی، دوماه بخريد، چون بیشتر که می‌خرید قیمت گوشت بالاتر میره، ضعیف‌ترها، اونایی که دستشان خالی‌تره گوشت نمی‌تونن بخرن، من گفتم، شما مختارید.»

مشتری‌های ساکت‌شده، دم می‌گیرند. کسی می‌گوید: «خدا عمر باعزت نصیبت کنه قصاب. ما خودمون باید رعایت کنیم تا شاید وضع بهتر بشه.»

یادم می‌افتد هنوز چند بسته گوشت مانده ته فریزر. روی قصاب را زمین نمی‌اندازم و قید خرید گوشت را می‌زنم. عینک‌م را از ته کیفم در می‌آورم. نوشته بالای سر قصاب حالا واضح می‌شود: «الا گر طلبکار اهل دلی ز خدمت مکن یک زمان غافلی به حال دل خستگان درنگر که روزی تو دل خسته باشی مگر»



## ۴۵ اثر منقول تاریخی، ثبت ملی شد

مدیرکل دفتر ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی، از ثبت ۴۵ اثر از پنج استان زنجان، آذربایجان غربی، لرستان، یزد و سیستان و بلوچستان در فهرست آثار ملی منقول کشور خبر داد. به گزارش «ایسنا»، فرهاد نظری اظهار کرد: «در این کمیته آثاری از یافته‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های «چم‌قوله»، «برزقوله»، «چغابیل» در شهرستان‌های «کوه‌دشت» و «رومشگان» و «سرخ‌دم‌لکی» در کنار حوزه آبریز سد سیمهره لرستان متعلق به دوره‌های کالکولیتیک میانی، عصر آهن، ساسانی و اشکانی با ظروف تدفین منقوش دار، پایه ستون، سنجاق طلائی و گچ‌بری در فهرست آثار ملی به ثبت رسیدند.»

پایان

جایی برای حرف‌های خودمانی

۱۶ | اتیه‌نو

## طنز کارگری

## سبد را بفروش!

محکوم شوند که، اگر همین را هم نداده بودند چه؟ آدم عاقل دندان اسب پیش کنشی رامی‌شمارد؟ ه‌ی می‌نشیند و با خودش چرتکه می‌اندازد که این صد تا سیصد هزار تومان معادل چند دلار می‌شود؟ اصلاً شما فرض کنید که بشود بیست و خرده‌ای دلار (که نمی‌شود و با دلار رسمی خیلی بیشتر از این حرف‌هاست)، کجای این عالم هستی سراغ دارید همین طوری بکه‌پویی شب بخوابید و صبح در خانه‌تان را بزنند و بیست دلار بگذارند توی جیب‌تان؟

**نه شکایت می‌کنم، نه اینکه غرغر می‌کنم بنده در هر وضعیت کالتشکر می‌کنم**

پایکوبی می‌کنیم، عده‌ای مغرض سیاه‌نما مثل شخصیت کارتون گالیور، مدام می‌گویند: «من می‌دانم. این سبد یک صدم خسارتی که سیل گرانی این چند ماهه به کارگر و بازنشسته جماعت زده را جبران نمی‌کند.»

چه می‌شود کرد؟ به هر حال همیشه آدم‌هایی هستند که فقط نیمه خالی لیوان را می‌بینند. اصلاً هم به این فکر نمی‌کنند که مسئولان عزیز در همین چند ماهه با هزاران نفر ساعت سخنرانی و مصاحبه و تکنیپیه و نامه سرگشاده و تهدید و فلان و بیسار، با تمام قوا پدر گرانی‌های اخیر را درآورده‌اند. حالا هم از کرم خودشان به مردم کمک کرده‌اند، نباید

یعنی می‌گویند آن هم نبوده است؟ کجای دنیا همین طوری، بدون هیچ چشمداشتی و فقط در راه رضای خدا بین «یک میلیون» تا «سه میلیون ریال» (می‌بینید چقدر پول است؟) به مردمش سبد می‌دهند؟

**تا «خوب» به دستت است، «بد» را بفروش**

**سمسار هر آنچه می‌خرد را بفروش آمد سبد حمایتی؛ نوشت باد!**

**هر وقت تمام شد، سبد را بفروش**

البته می‌دانم که همین الان که من و شما به‌خاطر شنیدن این خبر می‌موم، داریم به‌صورت مجاز و بلامانع دست‌افشانی و

• سرعت گیر - ۳۵ •  
• عبدالله مقدمی •

عطای بزرگان ایران‌زمین  
دو تا بزرگ‌الله و یک آفرین!  
البته منظور شاعر از «بزرگان ایران‌زمین»، مسئولان ایران‌زمین دوره خودش بوده است. وگرنه کیست که نداند برخی مسئولان امروزی عطا‌هایی دارند که دهان آدمی به‌قاعده شکاف طبقاتی بعضی ممالک خارج (که صداسیما اخبارشان را پخش می‌کند)، باز می‌ماند. حالا شاید یارانه به قول دهه هشتاد و نودی‌ها «خز» شده‌باشد، سبد حمایتی دولت را چه می‌گوید؟

## عکس نوشت

«نکاجوب» به‌عنوان شرکتی که سرمایه عظیم ملی تلقی می‌شود این روزها حال و روز خوشی ندارد و به‌دلیل تامین نشدن مواد اولیه، در آستانه ۵۰ سالگی درگیر مشکلات فراوانی است که خطر تعطیلی این واحد بزرگ صنعتی، کارگران و کارمندان را تهدید می‌کند. این در حالی است که مسئولان این شرکت معتقدند با جمع‌آوری چوب‌های شکسته موجود در جنگل‌های استان مازندران می‌توانند روح دوباره‌ای به کالبد نکاجوب بدهند. این کارخانه در گذشته علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی در زمینه ورزشی هم جزء فعال‌ترین‌های کشور قرار داشت و تیم فوتبال و والیبال آن با پشتوانه مردمی در لیگ‌های کشور فعالیت داشتند که در حال حاضر هیچ اثری از آن‌ها نیست. امید که این شرکت با تدبیر مسئولان دوباره رونق بگیرد.



## روز پرستار گرامی باد

غم‌ها و شادی‌های شغل‌شان نمی‌کاهد و هیچ پیشرفتی جایگزین خدمات آن‌ها نمی‌شود. پرستاری هرگز نمی‌تواند یک شغل منفعلانه باشد که در گذر زمان دچار رخت و خمودی شود. پرستاری حرفه‌ای جامعه‌نگر و مشارکت‌جو است که اگر درست، علمی و با عشق و علاقه، پیاده و به‌کار گرفته شود، با ایجاد احساس مطبوع و روحیه خوب، نیاز به بسیاری از داروها و درمان‌های گزاف را از بین می‌برد. اما در مقابل همه تعابیر زیبایی که برای کار پرستاری تصور می‌شود، جامعه پرستاری و بسیاری از پرستاران همچنان در شرایطی به‌سر می‌برند که نمی‌گذارند این قشر خدوم از داشتن یک زندگی با رفاه حداقلی، لذت کامل ببرد.



www.tamin24.ir



پیش‌بینی ۲۴  
زندگی‌ساز و رفاه‌ساز

دروازه‌های به‌دنیای سیاست‌های اجتماعی نوین

@www.tamin24ir

